

دانش و پژوهش

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

(علوم انسانی)

شماره ششم - زمستان ۱۳۷۹

صص ۹۳ - ۱۱۰

بررسی مقولات مربوط به «آسیب‌های روانی» در گلستان سعدی

پژوهش‌پوشش‌های علمی و معارف فرهنگی
اشرف جبل عاملی*
رتال جامع علوم انسانی

چکیده

مقاله حاضر، پژوهشی از نوع کتابخانه‌ای است و به صورت تحلیلی مقایسه‌ای انجام گرفته است. هدف این بود که با مراجعه به متون ادبی، برخی از مشکلات روانی (شناختی، رفتاری، اجتماعی) که در جامعه رواج داشته و یا دارد، بررسی گردد. به همین دلیل، گلستان سعدی مطالعه گردید، و اصطلاح‌هایی همچون حسادت، ظلم، خودبینی، غرور و تکبر، طمع، سیه‌دلی، تظاهر و ریا، که در این کتاب بیان شده و مورد نگرش قرار گرفته است، به عنوان «آسیب‌های روانی» در نظر گرفته و بررسی شد. این خصوصیات در تمامی ادوار تاریخی و همه جوامع وجود داشته و دارد، ولی میزان شیوع و شدت آنها ممکن است در جوامع مختلف، متفاوت باشد، که همین مسأله شدت تخریبی آنها را تعیین می‌نماید. مطالبی که در نتیجه‌گیری ارائه شده جنبه نظری دارند و مستلزم پژوهشهای میدانی می‌باشند.

مقدمه

تحقیقاتی که در حیطه روان‌شناسی انجام می‌گیرند، معمولاً میدانی و به‌طور عمده به دو صورت توصیفی یا شبه‌تجربی می‌باشند. در این پژوهش، برخلاف روشهای متعارف روان‌شناسی جدید، برای روشن ساختن مسائل مطرح شده‌ای که جنبه روان‌شناختی دارند، کتابهای ادبی جست‌وجو گردید. زیرا ادبیات هر کشور، می‌تواند بازتابی از مسائل فرهنگی حاکم بر آن جامعه باشد. به دلیل عدم وجود منابع علمی از گذشتگان، با بررسی متون ادبی می‌توان نکته‌های بسیاری را درباره ارزش‌ها و یا کاستی‌های اجتماع دریافت، که شاید به حل مشکلات کنونی نیز کمک نماید. از جمله موارد، مسائل مثبت و منفی روان‌شناختی است که برخی از آنها ممکن است در یک جامعه چشمگیرتر از جوامع دیگر باشد، و با رجوع به این نوشته‌ها می‌توان آنها را استخراج نمود، و با بررسی دقیق تا حدی به رفع مشکلات، متناسب با شرایط موجود، اقدام کرد. هر چند برخی از موارد در زمان خاصی، شیوع بیشتری دارد، ولی تداوم بسیاری دیگر را تا زمان حال می‌توان مشاهده نمود. این مقاله شاید مقدمه‌ای باشد برای توجه و بررسی مشکلات تفکری و رفتاری که از دیرباز باعث خدشه‌دار شدن بهداشت روانی در سطح جامعه شده و می‌شود، سعی بر این است که آنچه در قرون گذشته به‌عنوان معضلات در روابط اجتماعی، در قالب یکی از متون ادبی یعنی «گلستان» سعدی، بیان شده است، با تحلیلی در قالب آسیب‌شناسی روانی ارائه گردد. علت انتخاب گلستان سعدی وسعت ابعاد مورد توجه نویسنده و مشاهدات عینی و تجربیات اجتماعی او، سادگی ارائه مطالب در مقایسه با شیوه نگارش گذشتگان و انعکاس بسیاری از موارد حاکم بر جامعه، بوده است. با توجه به نکاتی که بیان می‌گردد، خواننده به‌طور نسبی می‌تواند مشکلاتی را که در گذشته وجود داشته است با مسائل فعلی مقایسه نماید، و میزان رشد اجتماعی و رفع یا عدم رفع مشکلات را متوجه شود. و چنانچه مطلبی برای تحقیق مناسب باشد، مورد بررسی بیشتر قرار دهد. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و به‌صورت تحلیلی - مقایسه‌ای انجام گرفته است. ابتدا ویژگیهای روان‌شناختی، مانند ابعاد شخصیت، فرایندهای شناختی، هیجان‌ها و عواطف، میزان تأثیر تربیت و وراثت، آسیب‌های روانی، و شیوه‌های پیشگیری یا درمان، از کتاب گلستان استخراج شد، و سپس با منحصر کردن به یک مقوله یعنی «آسیب‌های روانی»، و بسط و مقایسه مطالب، مقاله حاضر شکل گرفت. که امید است مقدمه‌ای برای توجه بیشتر به «روان‌شناسی ادبیات» گردد.

لازم به ذکر است که گلدستان مورد نظر به شرح و تصحیح دکتر خلیل خطیب رهبر می‌باشد و تمامی صفحات ارجاعی بدون ذکر مرجع، این کتاب است.

«آسیب» و «سلامت» روانی از دیدگاه صاحب‌نظران معاصر معمولاً مردم، کسی را غیر عادی می‌دانند که رفتار، تفکر و عواطف او عجیب و غیر معمول است و از این حیث با دیگران تفاوت‌های محسوس دارد. ولی در حقیقت، غیر عادی بودن به معنی «جنون داشتن» نیست و معانی پیچیده‌ای دارد. رفتار غیر عادی ممکن است ذهنی یا عینی و شدید یا خفیف باشد، به صورت اختلال در فعالیت‌های شناختی یا کنش‌های عاطفی ظاهر گردد و یا نابهنجاری‌هایی در سیستم ادراکی، انگیزشی، حسی - حرکتی، کلامی و روابط بین‌فردی و اجتماعی را شامل شود (شاملو، ۱۳۷۵، ص ۹).

از نظر روان‌پزشکان: «اختلال روانی نوعی بیماری است با تظاهرات روان‌شناختی و رفتارهای همراه با آشفتگی در کارکرد ناشی از یک اختلال بیولوژیک [زیست‌شناختی]، اجتماعی، روان‌شناختی، ژنتیک [وراثتی]، فیزیکی یا شیمیایی. هر بیماری علایم و نشانه‌های مشخص دارد» (کاپلان و سادوک، ۱۹۹۰، ص ۱۱).

عده‌ای از دانشمندان نیز ناسازگاری را ملاکی برای نابهنجاری به‌شمار آورده‌اند با این شرط که دوره‌های طولانی ناراحتی ذهنی وجود داشته باشد، رفتارهای غریب و نامأنوس سر بزنند، و نیز رفتار تکانشی، و ظاهراً مهار نشدنی وجود داشته باشد که مرتب زندگی دیگران را بر هم بزنند یا حق دیگران را پایمال سازد. تمام این رفتارهای توصیف شده ناسازگارانه هستند، چون یا سدّ راه رشد و شکوفایی استعداد شخص می‌شوند و به‌طور مستقیم بر بهزیستی او تأثیر می‌گذارند، یا به‌طور غیر مستقیم مؤثر واقع می‌شوند و در دراز مدت با بهزیستی دیگران نیز به‌شدت تداخل می‌نمایند (کاستلو و کاستلو، ۱۹۹۲). سه دسته تعریف برای رفتار غیر عادی ارائه شده است: یکی از روش‌های متداول جهت تعریف رفتار غیر عادی، توزیع فراوانی خصوصیات متوسط و معمول است که انحراف از آن، غیر عادی بودن را نشان می‌دهد (تعریف آماری). یکی دیگر از معیارهای تشخیص رفتار غیر عادی، درجه ناراحتی و اختلالی است که فرد مبتلا به آن احساس می‌کند. فردی که حالت شدید افسردگی، بی‌قراری، ترس و اضطراب و افکار عجیب و

غریب دارد، غیر عادی است. از سوی دیگر، فردی که به نظر دیگران غیر عادی است، ولی خود احساس رنج و ناراحتی نمی‌کند و بدون دشواری زیاد به زندگی عادی ادامه می‌دهد، از جنبه شخصی، عادی است (تعریف کلینکی). اینکه تا چه حد رفتار فرد با موازین، سنت‌ها و انتظارات جامعه مغایرت دارد و جامعه چگونه درباره او قضاوت می‌کند، معیار دیگری برای غیر عادی بودن افراد است. انسان موجودی اجتماعی است که باید در قالب الگوهای فرهنگی و اجتماعی زندگی کند (تعریف اجتماعی). اما تاکنون بشر نتوانسته است معیار مطلقى ارائه دهد تا بر اساس آن رفتار ناسالم به طور قاطع تفکیک شود (شاملو، ۱۳۷۵).

در مورد علت پیدایش آسیب روانی نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. رفتارگرایان آن را در نتیجه شرطی‌سازی پاسخ‌گر و عامل می‌دانند، همان‌گونه که تمامی رفتارهای انسان را بازتابی از این نوع یادگیری بیان می‌دارند. روان-تحلیل‌گران بر این عقیده‌اند که تجارب آسیب‌رسان دوران کودکی باعث به هم خوردن تعادل بین ساختارهای «نهاد»، «من»، و «فرا من» و در نتیجه اختلال روانی می‌شود. همچنین «افراطی‌ترین نوع دیدگاه زیستی بر این باور است که ریشه همه، یا حداقل بیشتر رفتارهای ناهنجار به عوامل زیستی - فیزیکی می‌رسد که معمولاً به نوعی بر مغز تأثیر می‌گذارند. برخی از پزشکان و پژوهشگران طبی، این دیدگاه را می‌پذیرند. با این همه، اکثر آنان دیدگاه تعدیل‌شده‌ای را قبول دارند و معتقدند که فرایندهای زیست‌شیمیایی مغز مبدأ برخی از بیماریهای روانی است، نه همه آنها. به نظر آنان، تعادل زیست‌شیمیایی (به هر دلیلی که هست) در هم می‌گسلد، و این عدم تعادل است که شرایط یا استعداد لازم را برای پیدایش پسیکوپاتولوژی فراهم می‌سازد (کاستلو و کاستلو، ۱۹۹۲، ص ۸۲).

یکی دیگر از رویکردها به آسیب روانی که در سالهای اخیر مورد توجه زیادی قرار گرفته، دیدگاه پردازش اطلاعات است: «دیدگاه شناختی پردازش اطلاعات بر این باور است که آسیب روانی، از شناخت غیرواقعی و ناسازگارانه فرد ناشی می‌شود... شناخت‌های ناسازگارانه عبارت‌اند از: باورهای غیرواقعی، استدلال نادرست، داشتن دید منفی نسبت به خود، صفات ناسازگارانه، تحریف حافظه، توجه ناسازگارانه، راهبردهای دفاع از خود» (پروین، ۱۹۸۹، ج ۲، ص ۲۵۱).

برای وجود سلامت روان نیز ویژگی‌هایی قابل شده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود: خوشبینی معقول، استقلال و تابعیت متناسب و بهنگام، داشتن انضباط و وقت‌شناسی و آراستگی ظاهر و نظافت و هماهنگی با موقعیت، حس کنجکاوی متعادل، رضایت از جنسیت خود، داشتن توانایی رقابت و همکاری و سازش مفید و مثبت، توانایی ابراز و کنترل عواطف و هیجان‌ها، توانایی ایجاد ارتباط صمیمانه و قدرت دل‌بستن و دل‌کنندن با تحمل کمترین میزان تنش (استرس)، توانایی تصمیم‌گیری بموقع، احترام به نفس، رضایت هم از حضور در اجتماع و هم تنها بودن (پورافکاری، ۱۳۷۸).

طرح مقولات مربوط به آسیب‌های روانی در «گلستان سعدی»

در آثار سعدی، رفتارهایی مورد نکوهش قرار گرفته‌اند، که می‌توان آنها را آسیب روانی و یا نشانه‌های آن به شمار آورد. ولی باید در نظر داشت که آنچه در این کتاب ذکر گردیده، بیماری یا اختلال به معنای امروزی آن نیست، بلکه رفتارهایی است که از دیدگاه اخلاق اجتماعی و فرهنگی ناپسند است، هر چند که ممکن است در جامعه رواج بسیار داشته باشد. قدرت تخریبی آنها نیز چنان قوی است که باعث آسیب به فرد و دیگران می‌شود. در اینجا تعدادی از این خصوصیات که تأکید بیشتری بر آنها شده است، همراه با برخی معانی استخراج شده از «فرهنگ معین» برای هر یک از واژه‌ها، همچنین تعاریف و مطالب استنباطی روان‌شناختی و نقشی که ممکن است روان‌شناسی و روان‌پزشکی برای آنها قابل باشد، ارائه می‌گردد. به برخی پژوهش‌ها نیز که در این زمینه، در خارج از ایران انجام گرفته، اشاره می‌شود. پژوهشی در این زمینه در داخل ایران یافت نشد.

حسادت

در فرهنگ معین، حسادت و حسد این‌گونه معنی شده است: زوال نعمت کسی را خواستن، رشک بردن، بدخواستن و یکی از صفات پست انسانی است که از اجتماع بخل و شره نفس حاصل می‌شود. در گلستان نیز همین معنی مستفاد می‌شود:

شوربختان به آرزو خواهند مقبلان را زوال نعمت و جاه (ص ۶۸)

بی‌هتران، هنرمند را نتوانند که ببینند. (ص ۵۵۱)

با توجه به این معنی، می‌توان حسادت را حالتی دانست که به علت احساس کمبود و ناتوانی و بی‌کفایتی، هنگام مقایسه خود با دیگری، در فرد به وجود می‌آید و باعث آزار درونی وی می‌گردد:

توانم آنکه نیازم اندرون کسی حسود را چه کنم کوز خود به رنج دَرست (ص ۶۷)
این ویژگی، پایدار، رنج‌آور و مصیبت‌بار است:

بمیر تا برهی ای حسود کین رنجی ست که از مشقت آن جز به مرگ نتوان رست (ص ۶۸)
الاتا نخواهی بلا بر حسود که آن بخت برگشته خود در بلاست (ص ۵۷۴)
چه حاجت که با او کنی دشمنی که او را چنین دشمنی در قفاست (ص ۵۷۵)
و در بسیاری اوقات، فرد حسود رفتارهایی را که نشان‌دهنده حالت درونی اوست و گاهی باعث آسیب و آزار دیگران می‌شود، از خود ابراز می‌نماید (مانند غیبت کردن):
کند هر آینه غیبت حسود کوتاه دست که در مقابله گنگش بود زبان مقال (ص ۵۵۱)

حسود از نعمت حق بخیل است و بنده بی‌گناه را دشمن می‌دارد (ص ۵۷۳).

برخی از پژوهشگران، مانند هاسلام و بورنستین^۱ (۱۹۹۶)، این نوع حسادت را یک هیجان فرعی، و در مقایسه با غبطه^۲، مورد پژوهش قرار داده، و تفاوت‌های آنها را بررسی کرده‌اند. غبطه در فرهنگ معین به این معنی آمده: آرزو بردن به نیکویی حال کسی بی‌آنکه زوال آن از او خواهد.

باک (۱۹۹۹)، حسادت را یک عاطفه اجتماعی می‌داند که از عواطف سطح بالاتر محسوب می‌شود و مرکب از عواطف زیست‌شناختی و پایه‌های فیزیولوژیک است. روشهایی برای درمان حسادت توصیه شده است: آموزش «خود ابرازی»^۳ و «برقراری ارتباط»^۴، «حساسیت‌زدایی»^۵، «شناخت‌درمانی»^۶ و «انجام رفتارهای تعاملی»^۷ (دی‌سیلوا، و مارکز،^۸ ۱۹۹۴).

1- Haslam, Nick; Bornstein, Brian.H.

2- envy.

3- assertiveness.

4- Communication.

5- desensitization.

6- Cognitive therapy.

7- Behavioral work on interactions.

8- De-Silva, Padmal; Marks, Melanie.

همچنین در روان‌شناسی امروز، حسادت می‌تواند یکی از ویژگیهای اختلال شخصیت پارانوئید^۱ باشد (کاستلو و کاستلو، ۱۹۹۲؛ انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴). ویژگی اصلی اختلال شخصیت پارانوئید، الگوی عدم اعتماد و سوء ظن فراگیر نسبت به دیگران است، به طوری که انگیزه‌های دیگران از سوی فرد به عنوان انگیزه‌های بدخواهانه تفسیر می‌شود. در نمونه‌های بالینی، این اختلال بیشتر در مردان تشخیص داده می‌شود (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴). اختلال شخصیت دیگری که حسادت بیمارگونه در آن وجود دارد، اختلال وسواسی - جبری^۲ است (پارکر و بارت، ۱۹۹۷). الگوی اصلی اختلال شخصیت وسواسی - جبری، اشتغال ذهنی به نظم، کمال‌گرایی و کنترل ذهنی و بین‌فردی به بهای از دست دادن انعطاف‌پذیری، گشاده‌رویی و کارآیی است. در مطالعات منظم، به نظر می‌رسد این اختلال تقریباً در اغلب موارد در مردان ۲ برابر بیشتر از زنان تشخیص داده شود (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴). حسادتی که همراه این اختلالات وجود دارد، معمولاً متوجه شریک زندگی است، آنچنان که وی را به ستوه می‌آورد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴؛ پارکر و بارت، ۱۹۹۷)، و حتی ممکن است به خشونت و پرخاشگری نسبت به همسر منجر گردد (مولن، ۱۹۹۶). حسادت یکی از موضوعات مهم در روان‌پزشکی قانونی [آمریکا] است که ارتباط آن با خشونت، به خصوص در میان زوجها، واضح شده است (سیلوا و همکاران، ۱۹۹۸). آنچه از این مطالب بر می‌آید، این نوع از حسادت مترادف «غیرت» مردانه (در مورد همسر) در فرهنگ ایرانی به‌شمار می‌رود. البته، در شرایط بیمارگونه همراه با سوء ظن و بدبینی شدید می‌باشد.

حسادت را می‌توان یکی از حالات بسیار رایج دانست، و همان‌طور که گفته شد در برخی اختلالات نیز وجود دارد، که آنچه در گلستان از این حالت استنباط شده است، به معنی اخیر نمی‌باشد، بلکه همان حالت شایع آن است که در نتیجه احساس کمبود به وجود می‌آید و پژوهشگران آن را یک هیجان فرعی و یا یک عاطفه اجتماعی بیان کرده‌اند. از مسائلی که می‌توان ایجاد این حالت را بدان نسبت داد، فقر فرهنگی است که

1- Paranoid personality disorder.

2- Obsessive - compulsive disorder (OCD).

3- Parker, Gordon; Barrett, Elaine.

4- Mullen, Ppaul.E.

5- Silva, AI; Ferrari, MM; Leong, GB; penny; G.

در فرد و یا اجتماع وجود دارد. علت دیگری که احتمالاً باعث پیدایش این ویژگی می‌شود، وضعیت اقتصادی و وجود طبقات در جامعه است. شرایطی که بدان اشاره شد و البته عوامل دیگر می‌توانند احساس کمبود را در افراد به وجود بیاورند. با این حال به نظر می‌رسد حالت حسادت غیر مخرب، که در ادبیات فارسی به آن «غبطه» اطلاق می‌شود، برای ایجاد انگیزه پیشرفت تا حدی لازم باشد.

ظلم

مفهوم ظلم را واژه‌های مختلفی مانند: ستم، جور، بیداد؛^۱ آزاررسانی؛^۲ بی‌انصافی، بی‌عدالتی،^۳ و غیره در بر دارند. ظلم مجموعه وسیعی از رفتارهای کلامی و غیرکلامی، خصمانه و منفعت طلبانه است که از روی عمد باعث آسیب رساندن مالی، جانی و روانی به فرد یا افراد دیگر می‌شود، و معمولاً بر افراد ضعیف‌تر اعمال می‌گردد. بسیاری از رفتارهای ظالمانه، پرخاشگرانه نیز هستند. پرخاشگری از انگیزه‌های اجتماعی به شمار می‌رود، که گاهی آن را به دو نوع وسیله‌ای^۴ و خصمانه^۵ تقسیم می‌کنند. معمولاً ظلم همراه با پرخاشگری خصمانه است. پرخاشگری خصمانه، هر نوع رفتاری است که هدف آن اذیت کردن یا آسیب رساندن به موجود زنده دیگری است که برانگیخته شده است تا از این رفتار پرهیز کند (محمی‌الدین، ۱۳۷۵ به نقل از بارون، ۱۹۷۷). پرخاشگری به چند صورت ابراز می‌شود: «بدنی - فعال - مستقیم» زخمی کردن، مشت زدن، یا ترور کردن یک شخص، «بدنی - فعال - غیر مستقیم» گذاشتن تله انفجاری برای شخص، اجیر کردن آدمکش برای کشتن دشمن، «بدنی - نافع - مستقیم» ممانعت بدنی یک شخص از به دست آوردن هدف مورد نظر یا انجام دادن عمل مورد نظر، مانند تظاهرات نشسته، «بدنی - نافع - غیر مستقیم» امتناع از انجام اعمال ضروری، مثلاً امتناع از حرکت در طول یک اعتصاب، «کلامی - فعال - مستقیم» فحش دادن یا توهین کردن به دیگران، «کلامی - فعال - غیر مستقیم»، پخش اخبار بدخواهانه یا شایعات بی‌اساس درباره یک شخص، «کلامی - نافع - مستقیم»، امتناع از صحبت کردن، امتناع از پاسخ دادن به سؤال‌ها و از این قبیل، «کلامی - نافع - غیر مستقیم» کوتاهی در ابراز نظر

1- tyranny.

2- Cruelty.

3- Injustice.

4- Instrumental aggression.

5- Hostile aggression.

کلامی خاص، مثلاً کوتاهی از صحبت در دفاع از شخصی که بی‌جهت مورد انتقاد قرار گرفته است. (محمی‌الدین، ۱۳۷۵) ظلم گاهی بدون وجود پرخاشگری صورت می‌گیرد، مانند هنگامی که فردی به سبب منافع شخصی و بی‌آنکه هدف دشمنی نسبت به فرد مورد نظر داشته باشد، باعث آسیب رساندن به وی می‌شود که معمولاً این رفتار را بی‌عدالتی می‌نامند.

در گلستان، اعتقاد بر این است که نخست فراوانی ظلم کم بوده، و به مرور انسانها میزان آن را افزایش داده‌اند:

بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده است، هر که آمد برو مزیدی کرده تا بدین غایت رسیده (ص ۱۰۵).

از عوامل مؤثر بر افزایش ظلم، انجام آن توسط افراد مقتدر یا موفق جامعه است، که با مشاهده این رفتار، دیگران می‌آموزند، و حتی بیش از آنچه دیده‌اند، عمل می‌کنند:

اگر ز باغ رعیت مَلِک خورد سیبی برآورند غلامان او درخت از بیخ (ص ۱۰۵)

روانشناس معاصر، آلبرت بندورا (متولد ۱۹۲۵) نیز معتقد است انسان از طریق «یادگیری مشاهده‌ای»^۱ با دیدن یک الگوی معتبر، بسیاری از رفتارها، از جمله پرخاشگری را می‌آموزد (هرگنهان و اولسون، ۱۹۹۳^۲).

برای کاستن از این‌گونه رفتارها، سعدی به هشدار دادن، به منزله نوعی تنبیه کلامی، متوسل می‌شود، و در عبارتهای متنوع آن را ارائه می‌دهد:

پنداشت ستمگر که جفا بر ما کرد	در گردن او بماند و بر ما بگذشت	(ص ۱۲۶)
بداخترتر از مردم آزار نیست	که روز مصیبت کشش یار نیست	(ص ۵۴۰)
آتش سوزان نکند با سپند	آنچه کند درد دل دردمند	(ص ۱۰۶)
زورمندی مکن بر اهل زمین	تا دعایی بر آسمان نرود	(ص ۱۱۸)
حذر کن ز درد درون‌های ریش	که ریش درون عاقبت سرکند	
به هم بر مکن تا توانی دلی	که آهی جهانی به هم بر کند	(ص ۱۱۹)
تا توانی درون کس مخراش	کساندین راه خاها باشد	(ص ۱۳۲)

1- Observational learning.

2- B.R.Hergenhahn & Matthew H.Olson.

قدرتمندان هم باید به این نکته توجه نمایند:

نه هر که بازوی منصبی دارد به سلطنت بخورد مال مردم به گزاف (ص ۱۰۷)
 زیرا آنان نیز مستثنی نیستند و عواقب رفتار ظالمانه در انتظارشان است:

پادشاهی که طرح ظلم افکند پسای دیوار ملک خویش بکند (ص ۷۱)
 پادشاهی که روا دارد ستم بر زیردست دوستدارش روز سختی دشمن زورآوردست (ص ۷۲)

افراد ظالم چنان مورد نکوهش هستند که حیوانات به آنان برتری داده شده‌اند:

از من بگوی حاجی مردم‌گرای را که پوستین خلق به آزار می‌درد
 حاجی تو نیستی، شترست از بهر آنک بیچاره خار می‌خورد و بار می‌برد (ص ۴۶۰)
 گاو و خسران بسار بردار به ز آدمیان مردم‌آزار (ص ۱۰۶)

برای پرهیز دادن از رفتار ظالمانه، از تحریک احساسات انسانی، و بینش دادن نیز استفاده می‌شود:

زیر پایت گر بدانی حال مور همچو حال توست زیر پای مور (ص ۱۱۱)

ظلم، همان‌طور که بیان شد، می‌تواند تمامی رفتارهای پرخاشگرانه: کلامی و غیر کلامی، مستقیم و غیر مستقیم، فعال و غیر فعال را در بر داشته باشد. علاوه بر این، در برخی موارد، بدون نیت پرخاشگری، ظلم روی می‌دهد و این هنگامی است که فرد به سود و زیان افراد دیگر توجه ندارد، و منافع خود را ترجیح می‌دهد. هنگام وقوع رفتار ظالمانه، فردی که مورد ظلم واقع شده - یعنی مظلوم - دارای ویژگیهایی است که وقوع این رفتار را تسهیل می‌نماید. کسانی که از نظر مهارت‌های «ابراز وجود» و «ارتباطات اجتماعی»، «وضعیت اقتصادی» و «آگاهی‌های فرهنگی» ضعیف هستند، مورد ظلم قرار می‌گیرند. معمولاً واکنشی که این‌گونه افراد دارند، پرخاشگری کلامی مستقیم و غیر مستقیم، مانند ناسزا و لعن و نفرین و قهر است. و در بیشتر مواقع نمی‌توانند به‌طور عملی، آنچه را حق خود می‌دانند دریافت نمایند.

خودبینی

در فرهنگ معین، خودبینی^۱ به معنی غرور و تکبر^۲ آمده است. غرور: فریب دادن و به خود بالیدن، و تکبر: خود را بزرگ پنداشتن، معنی شده است. فردی که دچار خودبینی است، به خواسته‌ها، عواطف، و علائق دیگران بی‌توجه است و به خواسته‌های خود توجه افراطی دارد:

نبیند مدعی جز خویشتن را که دارد پرده پندار در پیش (ص ۱۵۶)
به این‌گونه اشخاص نمی‌توان اعتماد نمود:

برادر که در بند خویش است نه برادر نه خویش است (ص ۲۲۶)
افرادی که این ویژگی را داشته باشند، سزاوار احترام نیستند و شخصیت آنها از نظر اخلاقی بی‌ارزش است:

دوان چو گلیم خویش بیرون بردند گویند: چه غم گر همه عالم مردند (ص ۵۰۷)
در سال ۱۹۹۶ الیاس. ل. خلیل،^۳ نظریه «نیات اخلاقی»،^۴ ای. اسمیت^۵ (۱۹۷۶)، را برای روشن ساختن تفاوت بین «احترام»^۶ و «تحسین»،^۷ و تفاوت با شکل‌های تحریف شده آنها، مانند «تکبر»^۸ و «خودبینی» (بزرگ‌نمایی)،^۹ به کار گرفت. تحلیل نشان می‌دهد که «احترام» در نتیجه ارزیابی از «عملکرد»، و ارزیابی از «توانایی» تعیین‌کننده «تحسین» می‌باشد. بیان «احترام» که بر اساس «مقایسه بین فردی»^{۱۰} از «توانایی» است، در پس «تکبر» قرار دارد. ابراز «تحسین» که بر پایه «مقایسه بین فردی» در مورد «مالکیت»^{۱۱} است، به دنبال «خودبینی» پدید می‌آید (خلیل، ۱۹۹۶).

رابطه بین «خودشیفتگی»،^{۱۲} «عزت نفس»،^{۱۳} و «خودافزایی دفاعی»^{۱۴} نیز مورد مطالعه قرار گرفته است، که با موضوع خودبینی در ارتباط می‌باشد و ذکر آن مفید به نظر می‌رسد. «خودافزایی دفاعی» دو جزء به وجود می‌آورد: «بزرگ‌نمایی»^{۱۵} و «مطلوبیت

-
- | | | |
|---------------------------------|---|------------------|
| 1- Vanity. | 2- Arrogance, insolence, pride, conclit, ruffe. | |
| 3- Elias.L.Khalit. | 4- Moral Sentimsnt. | 5- A. Smith. |
| 6- Respect. | 7- Admiration. | 8- Pomposity. |
| 9- Aggrandizement. | 10- Inter -individual comparison. | |
| 11- Possession. | 12- Narcissism. | 13- Self-esteem. |
| 14- Defensive self-enhancement. | | 15- Grandiosity. |

اجتماعی». ^۱ «خودشیفتگی»، به طور یقین با بزرگنمایی در «خودافزایی» (برخلاف مطلوبیت اجتماعی)، و با «عزت نفس» دفاعی و غیردفاعی ارتباط داشتند. «اقتدارطلبی»، ^۲ «خودبستگی»، ^۳ و «خودبینی» از عناصر «خودشیفتگی» و نشان‌دهنده «عزت نفس» غیر دفاعی بودند (راسکین، نواسک، و هوگان، ۱۹۹۱).

خودبینی، که در نتیجه ارزیابی غیر واقعی از توانایی خود به وجود می‌آید، در برخی مواقع بیش از توانایی برآورد و به احساس خود بزرگ‌بینی در فرد منجر می‌شود، و خود را برتر از دیگران می‌پندارد. در بعضی اوقات فرد خود را کمتر از آنچه هست، و یا در مقایسه با دیگران کمتر، تصور می‌کند، که اگر رفتار دفاعی به خود بگیرد به حالت تکبر و خودبینی تعبیر می‌شود.

طمع

طمع ^۴ به معنی حرص شدن، آزمند گردیدن است (فرهنگ معین).

گفت چشم تنگ دنیا دوست را یا قناعت پُر کند یا خاک گور (ص ۲۷۳)
طمع، میل افراطی و پایان‌ناپذیری است برای به دست آوردن آنچه که فرد معمولاً به خاطرش متحمل زحمتی نشده و به طور طبیعی هم نیاز اساسی به آن ندارد:

دیده اهل طمع به نعمت دنیا پر نشود همچنان که چاه به شبنم (ص ۴۹۳)
این تمایل، به قدری است که هوشمندی را مختل می‌سازد:

بدوزد شره دیده هوشمند در آرد طمع مرغ و ماهی به بند (ص ۲۹۵)

یکی از نظراتی که در مورد این ویژگی ارائه شده است، آن را یک اختلال شخصیتی موقت می‌داند که بر اساس نظریه روانکاوی، احتمال دارد بر اثر تثبیت در «مرحله مقعدی»، ^۵ باشد و یا ممکن است آن را به ناخشنودی نسبت داد. نادیده گرفتن لزوم درمان این اختلال باعث می‌گردد با پروراندن بی‌عدالتی و نابرابری‌های اساسی، بر تمام جامعه تأثیر منفی گذاشته شود. معیارهای همراه با این اختلال شامل عدم احساس وجود مرزها، احساس برتری بی‌مورد، جداسازی هیجانی، و بی‌توجهی نسبت به نیازهای

1- Social desirability.

2- Authority.

3- Self-sufficiency.

4- Greed, avidity, avarice.

5- Anal stage.

دیگران است (نیکلی، ۱۹۹۲). این انگیزه مخرب فقط یک پدیده فردی و بین فردی نیست، بلکه بیشتر بر اساس شیوع در جامعه و حوادثی است که در جوامع بزرگ روی می‌دهد. رهبران جامعه در ایجاد و افزایش این ویژگی نقش اصلی را ایفا می‌کنند. نمونه آن حکومت نازی در آلمان است که با اشاعه «طمع» و انگیزه‌های مخرب دیگر خود، باعث بروز «خودشیفتگی ملی» شد (برک، ۱۹۹۶).

طمع، می‌تواند یکی از عوامل ظلم محسوب گردد. زیرا فرد برای آنچه می‌خواهد کسب نماید، منافع دیگران را زیر پا می‌گذارد، و یا به آسیبی که در نتیجه این کار متوجه افراد دیگر می‌شود اهمیتی نمی‌دهد. این ویژگی، معمولاً تخریب‌های شدید و وسیعی در پی دارد، و می‌تواند در جامعه به سرعت شایع شود.

سیه دلی

سیه دل: تیره دل، قسی، بدگمان، ظنین (فرهنگ معین). با توجه به آنچه در فرهنگ معین آورده شده، این ویژگی به چند حالت اطلاق می‌شود. اگر به معنای قساوت^۱ و بی‌رحمی باشد عبارت است از: عدم ارتباط عاطفی یا دیگران، و بی‌توجهی به مصالح و منافع افراد دیگر. به شکل مرضی، در اختلال شخصیت ضد اجتماعی ظاهر می‌شود. ویژگی اصلی اختلال شخصیت ضد اجتماعی، یک الگوی فراگیر از بی‌اعتنایی و تجاوز به حقوق دیگران است که از کودکی یا اوایل نوجوانی آغاز شده و تا بزرگسالی ادامه می‌یابد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴). قساوت، بیشتر در ارتباط با جنگ و شکنجه‌هایی که در طی آن اعمال می‌شود (سامرفیلد، ۱۹۹۶؛ براکن و دیگران، ۱۹۹۵؛ یهودا و دیگران، ۱۹۹۲)، و همچنین تبعیدهای سیاسی (وودکوک، ۱۹۹۵)، و پیامدهای بعدی آنها، بررسی شده است. یکی از نابهنجاری‌هایی که رفتارهای بی‌رحمانه در آن به چشم می‌خورد، اختلال «آزار جنسی»^۲ است. کانون اصلی این نابهنجاری جنسی، اعمالی واقعی است که شخص با انجام آنها از رنج روانی یا جسمی قربانی خود، برانگیختگی جنسی به دست می‌آورد. وقتی آزار جنسی شدید است، و بویژه هنگامی که با اختلال شخصیت ضد اجتماعی رابطه دارد، مبتلایان به آزار جنسی ممکن است به‌طور جدی قربانیان را مجروح کرده یا به قتل برسانند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴).

1- Atrocity.

2- Sadism.

اگر سیه‌دلی به معنی بدگمانی و سوءظن تعبیر شود، ویژگی اصلی اختلال شخصیت پارانوئید می‌باشد، که قبلاً ذکر شد. البته بدگمانی خفیف و غیر مرضی، ممکن است بر اثر تجارب شخصی در طول زندگی، بر فرد عارض گردد. آنچه که از این واژه در کتاب گلستان مستفاد می‌شود، نوعی مقاومت مزمن در برابر گفته‌ها و خواسته‌های دیگران است:

آهنی که موریا نه بخورد نتوان برد ازو به صیقل زنگ

با سیه‌دل چه سود گفتن و عظم نرود سیخ آهنی در سنگ (ص ۱۷۶)

که این مشخصه را می‌توان در بسیاری از اختلالات و حتی شخصیت‌های غیر مرضی مشاهده نمود. یک‌دنگی، لجباجت، خیره‌سری، به‌خصوص در شکل منفی آن، از جمله واژه‌هایی است که تعبیر فوق را در بر می‌گیرد.

سیه‌دلی، به آن معنی که در گلستان آورده شده، و به خصوص اگر با حالت‌های منفی همراه باشد، سلامت روانی فرد و اطرافیان را به شدت به خطر می‌اندازد. زیرا این‌گونه افراد انعطاف لازم را ندارند، که باعث می‌شود هم در مقابل روش‌های درمانی مقاومت نمایند، و هم با پافشاری بر افکار غلط خود دیگران را دچار مشکل سازند.

تظاهر و ریا

در «فرهنگ معین» تظاهر و ریا به معنی خودنمایی کردن، چیزی را ظاهراً به خود بستن، خود را به داشتن صفتی وانمود کردن و عوام‌فریبی آمده است. به معنای خودنمایی کردن و به شکل خفیف و طبیعی می‌توان به عنوان «انگیزه اجتماعی خودنمایی» تعبیر کرد. در شکل شدید و مرضی از ویژگی‌های «اختلال شخصیت نمایشی»،^۱ است. ویژگی اصلی اختلال شخصیت نمایشی رفتار توجه‌طلبانه و هیجان‌پذیری مفرط و فراگیر است. در موقعیت‌های بالینی، این اختلال در زنان بیشتر تشخیص داده می‌شود، ولی این نسبت جنسی به‌طور معنی‌دار متفاوت از نسبت جنسی زنان در موقعیت‌های بالینی دیگر نیست؛ در مقابل مطالعاتی که سنجش‌های ساخت‌دار را به کار برده‌اند، میزان شیوع مشابهی را در میان زنان و مردان گزارش کرده‌اند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴). به نظر می‌رسد در گلستان، به معانی دیگری که ذکر گردید، تعبیر شده باشد.

ای هنرها گرفته بر کف دست عیب‌ها برگرفته زیر بغل
تا چه خواهی خریدن ای مغرور روز درماندگی به سیم دغل (ص ۱۵۴)

که می‌توان بدین‌گونه بیان نمود: ظاهر ساختن و نمایاندن صفات مثبت اخلاقی و شخصیتی و اقتصادی و اجتماعی و تواناییهایی که در اختیار فرد نیست، با هدف فریب دادن دیگران و جلب منافع خود و رسیدن به هدف مورد نظر. این خصوصیت را با توجه به نظرات «ماکیاولی» نویسنده کتاب «شاهزاده» که توصیه می‌کند برای رسیدن به هدف از هرگونه وسیله‌ای حتی فریب دیگران می‌توان استفاده نمود، اصطلاحاً «ماکیاولیسم» می‌گویند. یکی دیگر از مواردی که در گلستان بدان اشاره شده است، استفاده از ارزشهای دینی به منظور فریبکاری می‌باشد:

پارسایان روی در مخلوق پشت بر قبله می‌کنند نماز (ص ۱۷۵)
ای درونت برهنه از تقوا کز برون جامه ریا داری
پرده هفت‌رنگ در مگذار تو که در خانه بوریا داری (ص ۲۳۳)

اگر بر اساس مراحل رشد اخلاقی کلبیرگ تفسیر شود، می‌توان این ویژگی را ماندن در مرحله «پسر خوب / دختر خوب» دانست. که افراد سعی می‌کنند با نشان دادن ویژگیهای مثبت، خود را به عنوان یک انسان خوب، در ابعاد مختلف، تأیید دیگران را جلب نمایند.

تظاهر و ریا، در جوامعی که نمود ارزشها در ظاهر، برای رسیدن به اهداف نقش مهمی دارند، بسیار شایع است. بورژه - و با تأسف - گاهی استفاده از ارزشهای دینی دستاویزی برای رسیدن به هدفهای شخصی که در جهت منافع اجتماعی نیستند می‌شود. هنگامی که افراد با انجام این‌گونه رفتارها به‌منظور خود برسند، پاداشی است که دریافت می‌دارند و به ادامه آن تشویق می‌شوند. حتی مشاهده دریافت پاداش دیگران، باعث انجام رفتار مشابه در ناظر می‌گردد. رواج این ویژگی باعث از بین رفتن بسیاری از زمینه‌های سلامت روان اجتماع می‌شود، و به‌خصوص بدینی و تردید نسبت به ارزشهای دین و جامعه که می‌توان از آنها در جهت تأمین بهداشت روانی استفاده کرد، ایجاد می‌نماید.

نتیجه گیری

هر چند نمی توان در مورد میزان شیوع این ویژگیها، برای مقایسه گذشته و حال اظهار نظر نمود، لیکن با نگاهی به اطراف، تداوم این رفتارهای آسیب زا را به خوبی می توان مشاهده کرد. بویژه آنکه وجود بسیاری از آنها به نظر امری طبیعی می رسد، و با اینکه برخی افراد از مشاهده این گونه رفتارها اظهار نارضایتی می کنند، ولی خود در تلاش می شوند که همان رفتار را به کار گیرند. این روش، به دور باطلی در اجتماع منجر می گردد، که باعث تخریب زیربنای رشد فرهنگی، و آسیب به سلامت روانی جامعه می شود. از طرفی عدم رشد فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه، می تواند به شیوع بیشتر و ناتوانی برای مبارزه با این گونه رفتارها منجر گردد. مطالبی که ذکر شدند، به طور نظری است و شاید مقدمه ای باشد برای توجه به این موارد، تا بر روی آنها تحقیق لازم به عمل آید. بویژه برخی از رفتارها، مانند تظاهر و ریا، که هم اکنون در جامعه ما بسیار رایج است. به خصوص که این ویژگیها از دیدگاه مذهب ما نیز مورد نکوهش قرار گرفته اند.

نکته دیگری که باید در نظر داشت مفهوم واژه هاست، که هم در فرهنگهای مختلف ممکن است تفاوت داشته باشد و هم در یک فرهنگ استنباطهای متفاوت از یک واژه وجود دارد. به همین علت لازم است به معنانشناسی روان شناختی واژه ها نیز توجه شود. در ارتباط با موارد فوق، سخن بسیار می توان گفت، که به دلیل محدودیتی که باید برای مقاله نویسی در نظر گرفت، صرف نظر می شود. نیکوتر آن است که پژوهشهای میدانی برای بررسی علل و عوامل و روشهای جلوگیری از نتایج آسیب رسان این ویژگیها در زمان حاضر، همچنین معنای روان شناختی مناسب واژه ها، صورت گیرد.

منابع و مأخذ

- انجمن روانپزشکی آمریکا. (۱۹۹۴)، راهنمای تشخیصی و آماری اختلال های روانی (DSMIV)، ترجمه محمد رضا نیکخو و همکاران. (۱۳۷۴)، تهران؛ انتشارات سخن.
- پروین، لارنس. ای. روانشناسی شخصیت، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، (۱۳۷۴)، تهران؛ مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ سوم.

بررسی مقولات مربوط به «آسیب‌های روانی» در گلستان سعدی / ۱۰۹

پورافکاری، نصرت‌الله. (۱۳۷۸)، *نشانه‌شناسی بیماری‌های روانی*، تهران؛ انتشارات آزاده، چاپ هفتم.

سعدی، مصلح‌الدین (قرن ۷ ه. ق.)، *گلستان*، به شرح و تصحیح خلیل خطیب‌رهبر، (۱۳۴۸)، تهران؛ بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه.

شاملو، سعید. (۱۳۷۵)، *آسیب‌شناسی روانی*، تهران؛ انتشارات رشد.

کاپلان، هارولد؛ بنیامین سادوک. (۱۹۹۰)، *چکیده روانپزشکی بالینی*، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، (۱۳۷۲)، تهران؛ انتشارات آزاده، چاپ سوم.

کاستلو، تیموتی؛ جوزف کاستلو. (۱۹۹۲)، *روانشناسی نابهنجاری*، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، (۱۳۷۲)، تهران؛ انتشارات آزاده، چاپ سوم.

محمی‌الدین بناب، مهدی. (۱۳۷۵)، *روانشناسی انگیزش و هیجان*، تهران؛ نشر دانا، چاپ دوم.

معین، محمد. (۱۳۶۳)، *فرهنگ معین*، تهران؛ انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم.

هرگنهان، بی. آر؛ متیو. اچ. اولسون. (۱۹۹۳)، *نظریه‌های یادگیری*، ترجمه علی‌اکبر سیف، ۱۳۷۶. تهران؛ نشر دوران، چاپ سوم.

Berke, Joseph. H, (1996), *The Wellsprings of fascism: Individual malice, group hatreds, and the emergence of national narcissism.* (psyclit)

Bracken, Patrick. J; Giller, Joan. E; Summerfield, Derek, (1995), *Psychological responses to war and atrocity: The limitation of current concepts.* (psyclit)

Buck, R, (1999), *The biological affects: a typology.* (medline)

De-Silva, padmal; Marks, Melanie, (1994), *Jealousy as a clinical problem: practical issues of assessment and treatment.* (Psyclit)

Haslam, Nick; Bernstein, Brian, H, (1996), *Envy and Jealousy as discrete emotions: A taxometric analysis* (Psyclit)

Khalil, Elias. L, (1996), *Respect. admiration aggrandizement: Adam Smith as economic Psychologist.* (psyclit).

Mullen, Paul. E, (1996), *Editorial: Jealousy and the emergence of violent and intimidating behaviours.* (Psyclit)

Nikelly, Arthur. G, (1992), *The Pleonexic personality: A now Provisional Personality disorder.* (Psyclit)

- Parker, Gordon; Barrett, Elaine, (1997), *Morbid Jealousy as a variant of obsessive - compulsive disorder*. (Psyclit)
- Raskin, Robert; Novacek, Jill; Hogan, Robert, (1991), *Narcissism, self-esteem, and defensive self - enhancement*. (Psyclit)
- Silva, A. J; Ferrari, MM; Leong, GB; Penny, G, (1998), *The dangerousness of persons with delusional jealousy*. (medline)
- Summerfield, Derek, (1996), *The psychological legacy of war and atrocity: The question of long - term and transgenerational effects and the need for a broad view*. (psyclit)
- Woodcock, Jeremy, (1995), *Healing rituals with families in exile*. (psyclit)
- Yehuda, Rachel; Southwick, Steven. M; Giller, Earl. L, (1992), *Exposure to atrocities and severity of chronic posttraumatic Stress disorder in Vietnam combat veterans*. (Psyclit)

E-mail: a-Jabalamel @ hot mail.com